

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶

موضوع: ضرورت دشمن شناسی در فرهنگ اسلامی

(سخنرانی در منطقه سوم دریایی سپاه پاسداران، ماهشهر)

فهرست مطالب این سخنرانی:

ضرورت دشمن شناسی در فرهنگ اسلامی

قوی ترین راهکار مقابله با دشمن

وقتی یک وهابی، مرید استاد شیعی می شود

فرمایش ماندگار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

لزوم فعالیت جدی فرهنگی برای مقابله با دسیسه های دشمن

نسخه خطرناک نظریه پردازان امریکائی برای نابودی تشیع

فاسدترین و بی محتواترین فرقه انحرافی موجود

من حاضرم در کفر و ارتداد این شخص، مناظره و سپس مباحثه کنم!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که به ما توفیق داد امروز در این محفل نورانی شما گرامیان را زیارت کنیم.

ایام دهه امامت و ولایت و فرارسیدن عیدالله الأكبر عید غدیر خم و ولادت مولایمان امام هادی را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما عزیزان تبریک و تهنیت می‌گوییم.

خدا را به آبروی امیرالمؤمنین سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاءالله.

### ضرورت دشمن شناسی در فرهنگ اسلامی

یکی از موضوعاتی که نیاز هست ما خوب درباره آن دقت و فکر کنیم، موضوع دشمن شناسی است. ما در منابع روایی از ائمه اطهار به ویژه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایات متعددی در این حوزه داریم که به حق برای ما آموزنده و بیدار کننده است.

حضرت امیرالمؤمنین در نامه ۶۲ به «مالک اشتر» حاکم و استاندار منصوب امیرالمؤمنین در کشور مصر می‌فرماید:

«وَمَنْ نَامَ لَمْ يَتَمَّ عَثَهُ»

بدانید کسی که به خواب رفته و از دشمن غافل است، دشمنان از او غافل نیستند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۵۲، نامه

دشمنان در حال توطئه و غلبه و نابودی شما هستند. در کتاب «غرر الحکم» روایتی وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

« مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ »

هر کس از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ محقق / مصحح: درایتی، مصطفی،

ناشر: دفتر تبلیغات ایران؛ قم سال چاپ: ۱۳۶۶ش؛ ص ۳۳۴، ح ۷۶۸۷

به فرموده امیرالمؤمنین کسی که از دشمن در غفلت هست بداند که روزی فرا خواهد رسید که دشمن اطراف او را خواهد گرفت، به طوری که نه توان دفاع دارد و نه راه گریز دارد و جز تسلیم و نابودی راه دیگری نیست.

بنابراین قبل از آنکه دشمن توطئه کند و توطئه خود را عملی کند، به فکر شناختن دشمن و شناختن توطئه‌های دشمن و جلوگیری از نفوذ دشمن باشید. حضرت در روایت دیگری می‌فرماید:

« لا تستصغرن عدوا و إن ضعف »

هرگز دشمن را کوچک نشمار، گرچه از نظر قدرت بسیار ضعیف باشد.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۷۴۶، ح ۶۷

گاهی اوقات ما دشمن را کوچک و بی‌اهمیت تلقی می‌کنیم و برای ما کوچک بودن دشمن موضوعیت پیدا می‌کند و به او توجه نداریم. امیرالمؤمنین می‌فرماید: هرگز دشمن خود را هرچند ضعیف باشد، کوچک نشمار، زیرا همین دشمنی که ضعیف است از غفلت شما استفاده می‌کند و آنچنان ضربه‌های کاری می‌زند که در تصور شما هم نمی‌آید.

## قوی ترین راهکار مقابله با دشمن

نکته دوم این است که برای مبارزه با دشمن راه‌های زیادی است. یکی از این راه‌ها مقابله نظامی است. مقابله‌های دیگر از جمله به راه انداختن بحث‌های روانی و تبلیغات گسترده علیه دشمن نیز مطرح است. امیرالمؤمنین یک جمله روانشناختی دارد که به نظر من ارزش دارد انسان روی این جمله ساعت‌ها فکر و دقت و تأمل کند. حضرت می‌فرماید:

«الاستِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَ جَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ [و مَعَالِبَتِهِمْ] بِمَضِيضِ الْقِتَالِ»

به صلاح آوردن و اصلاح دشمنان با گفتار نیک و کردار زیبا آسان‌تر از برخورد و پیروز شدن بر آن‌ها به وسیله پیکارهای مصیبت‌بار است.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیشی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، ص ۵۷، ح ۱۴۷۲

اگر انسان دشمن را با سخن‌های زیبا و کردار نیک اصلاح کند، بسیار بهتر از این است که از در برخورد نظامی ورود پیدا کند.

بسیاری از مواقع انسان می‌تواند با دشمن با گفتگو و از طریق مصالحه درآمدن با افعال زیبا و سخنان عالی دشمن را به مخالف مبدل کند و مخالف را به بی‌تفاوت و بی‌تفاوت را به دوست مبدل کرد. لذا در همه جا راه مقابله با دشمن، برخورد نظامی نیست.

البته در مواردی که دشمن منطقی نمی‌فهمد، حرف حساب متوجه نمی‌شود و جز قدرت چیز دیگری در اذهانش جولان ندارد سخن گفتن با او نادرست است. به عنوان مثال اگر امروز با آمریکا از طریق صلح وارد شوید، او اصلاً

معنای صلح را نمی‌فهمد. در قاموس او واژه‌ای به نام صلح نیست و او جز قدرت و غلبه چیز دیگری نمی‌فهمد.  
در برابر او باید قطعاً برخوردِ مقابله با قدرت را انتخاب کرد، نه با سخن گفتن. شاعر می‌گوید:

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

در بسیاری از موارد ما می‌توانیم یک دشمن را با گفتگوی زیبا و برخورد صحیح، به کمند صید کنیم، زیر پرچم  
بیاوریم و به دوست مبدل کنیم.

امیرالمؤمنین در قضیه جنگ نهروان با خوارج ابتدای امر از طریق قتال وارد نشدند، بلکه افرادی را برای بحث و  
مناظره و گفتگو اعزام می‌کنند. «ابن عباس» و دیگران می‌روند و حضرت خود سخن می‌گویند.

تأثیر سخن زیبا در قضیه نهروان به طوری است که از دوازده هزار دشمن هشت هزار نفر راه صلح را انتخاب  
کردند و از قتال با امیرالمؤمنین دست برداشتند. چهار هزار نفر باقی ماندند که امیرالمؤمنین غیر از ورود از  
طریق قتال راه دیگری نداشتند و آن را انتخاب کردند.

بنابراین ما باید دقت کنیم شناختن دشمن، تفکرات دشمن، روحیه و روان دشمن را شناسایی کنیم و ببینیم که  
با این دشمن چطور می‌توان برخورد کرد.

بارها اتفاق افتاده است که در برخورد با وهابیت و سلفی‌های تندرو بحث و گفتگو کردیم. خدا شاهد است که با  
این گفتگو نتیجه‌های زیادی گرفتیم.

## وقتی یک وهابی، مرید استاد شیعی می شود

بنده در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ که به مکه مشرف بودم، شب چهاردهم رجب مشغول طواف بودم. نزدیک حجر الأسود شخصی دست بر شانهام گذاشت. وقتی که برگشتم، دیدم یک جوان ۲۸ ساله است که بلافاصله شروع به فحش دادن و توهین به شیعیان کرد.

او دائماً می گفت که شما شیعیان نجس و مشرک و کافر هستید، هدفتان این است که خانه خدا را نابود کنید، آمده اید تا اینجا را نجس کنید و دولت عربستان سعودی اشتباه کرده به شما اجازه زیارت داده است. او هرچه می توانست در نزدیکی حجر الأسود نثار ما کرد.

من همینطور او را تماشا می کردم و زمانی که حرفش تمام شد، به او گفتم: برادر حرفت تمام شد؟ او گفت: من برادر تو نیستم. من گفتم: آقای که برادر من نیستی، می توانیم گوشه ای بنشینیم و با هم صحبت کنیم؟ او که کم آورد، گفت: برویم.

ما جلوی رکن یمانی نشستیم و شروع به صحبت کردیم. دوستانی که به مکه مشرف شده اند می دادند که خلوت ترین جا در کنار بیت الله الحرام روبروی رکن یمانی است. ما نشستیم و شروع به صحبت کردیم. من گفتم: شما مسلم و من مشرک؛ قرآن کریم می فرماید:

**(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ)**

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد).

سوره توبه (۹): آیه ۶

دلیل شرک من چیست؟ او گفت: شما قائل به تحریف قرآن کریم هستید. بنده مطالبی در این خصوص برای او بیان کردم. او گفت: شما صحابه را سب می‌کنید. بنده در این خصوص هم توضیحاتی به او دادم. او چندین شبهه مطرح کرد و من پاسخ دادم.

خدا را شاهد می‌گیرم او بلند شد و چند بار پیشانی و شانه مرا بوسید و از من عذرخواهی کرد. او از من شماره تلفن خواست و من به او شماره دادم.

او گفت: من یقین ندارم شماره شما واقعی باشد. اجازه بدهید من تلفن بزنم تا ببینم موبایل شما زنگ می‌خورد یا خیر. او تلفن زد و دید که تلفن من زنگ می‌خورد. پس از آن او تا مدت‌ها با من مرتبط بود.

گاهی اوقات با یک زبان خوش و برخورد صحیح خیلی راحت می‌شود کسی که دشمن است و با تمام توان می‌خواهد علیه ما بکوشد و بغض و کینه ما سراسر وجود او را فراگرفته است را می‌توان به یک دوست و مبلغ شیعه مبدل کرد.

ما افراد زیادی در عربستان سعودی داشتیم که با صحبت‌ها نه تنها دست از عداوت برداشت و مستبصر و شیعه شد، بلکه مبلغ فرهنگ تشیع در میان وهابیت بود به طوری که ما الآن هم با آن‌ها مرتبط هستیم.

بنابراین امیرالمؤمنین می‌فرماید: برخورد با دشمن با زبان خوش و رفتار نیک بسیار بهتر و تأثیرگذارتر از برخورد با قتال و نظامی است. حضرت در تعبیر دیگری می‌فرماید:

«مَنْ اسْتُضِلَّ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ»

اگر شما یک دشمن را به دوست تبدیل کنید آمار دوستانتان بیشتر می‌شود.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی،

حسین، ص ۴۴۵، ح ۷۸۳۸

بنابراین ما باید دقت کنیم و این قضیه را همواره در نظر داشته باشیم.

### فرمایش ماندگار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

حضرت امیرالمؤمنین نکته عجیبی دارد که اگر تمام روانشناسان عالم جمع شوند، نمی‌توانند چنین تعبیر و دستور روانشناختی صادر کنند.

امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» خطبه ۲۷۴ جمله طلایی دارد که باید این جمله را در چند جای اتاق کارمان و زیر شیشه میز اتاقمان یا اتاق استراحت یا اتاق پذیرایی نصب کنیم. جمله، جمله بسیار ظریفی است.

«أَحِبِّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضًا لِيَوْمٍ مَا»

در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد.

اگر با کسی رابطه دوستی داشتی، روابط معتدل باشد و تمام اسرار زندگی خود را در اختیار او قرار نده، شاید روزی همین دوست به دشمن مبدل شود و تمام اسرار زندگی تو را فاش کند.

مثلاً حتی لازم نیست تمام اسرار زندگی و گذشته خود را در اختیار همسران قرار بدهید. اگر او متوجه شود شما در دوران دبیرستان با یک خانم سلام و علیک داشتید، این قضیه تا آخر عمر از ذهن این خانم بیرون نمی‌رود و با خود می‌اندیشد که از کجا معلوم بعد از ازدواج با کسان دیگری رابطه نداشته باشد.

لازم نیست همه اسرار زندگی را حتی با برادر، همسر، پدر و نزدیکان خود بازگو کنیم. ضرورت ندارد آنچه در زندگی مباحثی داریم که به صلاح ما نیست آن را در اختیار دیگران قرار بدهیم.

چه بسا فردا همین دوست یا همسر یا برادر شما با شما از سر عداوت وارد می‌شود و تمام اسرار شما را فاش می‌کند و آبرو و حیثیت شما را می‌برد.



«وَأَبْغُضُ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا»

و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۵۲۲، خ

۲۷۴

حضرت می‌فرماید: اگر هم با کسی دشمنی می‌کنی، سعی کن دشمنی شما معتدل باشد، تمام اسرار زندگی او را فاش نکن و او را بی‌آبرو و بی‌حیثیت نکن.

چه بسا روزی برسد که با این شخص دوست می‌شوی و وقتی به چشمش نگاه می‌کنی خجالت می‌کشی که چرا این همه پرده‌داری کردم و این همه نسبت به او بی‌آبرویی کردم.

بنابراین ما باید تلاش کنیم که هم با دوستانمان مدارا کنیم و معتدل باشیم و هم با دشمنانمان معتدل باشیم.

«أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَ أَبْغُضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ

يَوْمًا مَا»

بنده این نکته را به عنوان مقدمه اشاره کردم. ما امروز در منطقه یک سری مسائلی داریم که من می‌خواهم به بعضی از این مسائل اشاره کنم.

لزوم فعالیت جدی فرهنگی برای مقابله با دسیسه‌های دشمن

در استان و شهر و منطقه شما گروه‌های مختلفی مشغول فعالیت هستند تا بتوانند اهدافی که دشمنان ما دارند را در منطقه پیاده کنند.

عربستان سعودی و استکبار جهانی سرمایه‌گذاری‌های متعددی کرده است تا بتواند از طریق تهاجم فرهنگی به آن اهداف شومی که از طریق تهاجم نظامی نرسید، برسد.

امروز از یک طرفی وهابیت، سلفیون، دواعش، و یا طالبان را تحریک می‌کنند تا به نوعی در کشور ما و منطقه ایجاد فساد کنند، اذهان جوانان ما را مشوش کنند و اعتقادات جوانان ما را متزلزل کنند. مقام معظم رهبری فرمودند: فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است.

امروز وقتی که نگاه می‌کنید، در بسیاری از برنامه‌ها و اپلیکیشن‌ها، مخالفین ما اعم از سلفیون، دواعش یا یمانی‌ها چندین برابر بچه شیعه‌ها حضور دارند و فعالیت می‌کنند و از این ظرفیت استفاده می‌کنند که واقعاً مایه تأسف است.

ما می‌بینیم از میان صد برنامه‌ای که در فضای مجازی هست، هفتاد یا هشتاد درصد آن در اختیار دشمنان ما قرار دارد. بچه مذهبی‌های ما، حوزویان ما، بسیجیان ما، سپاهیان ما یا اصلاً حضور ندارند یا حضورشان بسیار کم رنگ است.

دشمنان بعضی از کانال‌هایی زدند که می‌بینیم چند ده یا چند صد هزار مراجعه کننده و کاربر دارند، اما بچه شیعه‌های ما یا حضور ندارند و یا حضورشان خیلی کم رنگ است. آن‌ها کانالی زدند و صد نفر یا دویست نفر دنبال کننده دارند. چرا باید این چنین باشد!!؟

**(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ )**

در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از "تیرو" آماده سازید.

سوره انفال (۸): آیه ۶۰

تنها منحصر به مسائل نظامی نیست. امروز اهمیت مسائل فرهنگی بسیار از مسائل نظامی بالاتر است. ضربه‌ای که دشمن در طول تاریخ به ویژه در عصر حاضر مخصوصاً در منطقه شما به ما زده است، از طریق نظامی نزدند. حال بعضی از مسائل را شما بهتر از من می‌دانید. کسانی که جوانان ما را از بدنه شیعه جدا می‌کنند و به راه دیگر می‌برند خیلی خطرناک است. اخباری از ناحیه عزیزان سپاه به ما می‌رسد که نگران کننده است.

چندی قبل یکی از دوستان امنیت سپاه نزد ما تشریف آورده بودند و یک گزارش مصور برای ما از استان خوزستان دادند که من واقعاً به گریه افتادم و قلبم به درد آمد. دشمن در منطقه چکار می‌کند و عاقبت تلاش‌های مذبحخانه دشمن به کجا منجر می‌شود!؟

### نسخه خطرناک نظریه پردازان امریکائی برای نابودی تشیع

دوستان اصرار داشتند که بنده در زمینه سلفی‌ها و یمانی‌ها توضیح بیشتری بدهم. من به دوستان توصیه می‌کنم دو کتاب که نظریه پردازان آمریکا برای ما نوشتند و نسخه‌ای برای ما پیچیدند که اگر حوصله دارید آن را مطالعه کنید.

اولین کتاب «پایان تاریخ» اثر «فوکویاما» معاون سابق سازمان سیا است. این کتاب از اول تا آخر نسخه‌ای است که علیه ما پیچیدند. آمریکا در منطقه به ویژه در ایران چکار کند تا انقلاب و اسلام را از دست مردم بگیرد و ایران را تسلیم استکبار جهانی کند.

دومین کتابی که خطرناک‌تر از این است «برخورد تمدن‌ها» اثر بزرگ نظریه پرداز کاخ سفید «هانتینگتون» آن را نوشته است. ایشان می‌نویسد: بعد از پیروزی انقلاب آمریکا تصور کرد این انقلاب همانند انقلاب‌های دیگر کشورهاست که وقتی حکومت عوض شد ما می‌توانیم مهره‌های خودمان را سر جای خودشان بچینیم.

ما وقتی برنامه‌های مختلف و طرح‌هایمان را پیاده کردیم، همه طرح‌های ما با شکست مواجه شد. آمریکا تصمیم گرفت تا یک تحقیق میدانی کند که ببیند رمز پیروزی و موفقیت مردم ایران چیست و راه شکست آن‌ها چیست.

این قضیه مربوط به زمان دولت اصلاحات است. آن‌ها نیروهای مختلفی را به ایران و عراق و پاکستان و بحرین و کویت فرستادند و بودجه‌ای میلیاردی در اختیار آن‌ها قرار دادند.

آن‌ها بعد از مدتی گزارش دادند و گفتند: رمز موفقیت شیعه در طول تاریخ به ویژه در انقلاب اخیر سه مسئله بیشتر نیست. اگر آمریکا بخواهد بر ایران مسلط شود باید این سه موفقیت و سه رمز پیروزی را از بین ببرد.

رمز موفقیت اول ایران نفوذ مرجعیت و رهبری در میان مردم است. مردم با دستور یک مرجع و یک رهبر سر از پا نمی‌شناسند و تمام زندگی و جان خود را در کف دست می‌گیرند و تلاش می‌کنند. ما باید تلاش کنیم این نفوذ رهبری را در جامعه کم کنیم یا از بین ببریم.

من در جلسات خود بارها گفتم که شما ببینید در چند سال اخیر که فتنه‌هایی را درست کردند و تظاهراتی در گوشه و کنار به راه انداختند یا دیوانه‌نویسی کردند علیه رئیس جمهور یا رئیس مجلس یا قوه قضائیه یا دیگر ارگان‌ها هیچ شعاری ندادند؛ تمام شعارها به صورت مستقیم بر ضد مقام معظم رهبری است. این اقدامات همگی حساب شده است.

آن‌ها پشت درهای بسته تصمیم می‌گیرند، بودجه معین می‌کنند و تعداد اندکی از بچه مذهبی‌ها یا غیر مذهبی‌ها به تصور اینکه می‌خواهند به ایران خدمتی کنند، شروع به طرح یک سری مباحث یا شعارهایی می‌شوند.

«هانتینگتون» می‌گوید: صدام در مبارزه با دشمنانش تمام مخالفینش را شکست داد، اما در برابر حوزه علمیه نجف شکست خورد. ما باید از این تجربه استفاده کنیم.

رمز موفقیت دوم شیعه در طول تاریخ به ویژه در انقلاب اخیر عزاداری مردم در محرم و صفر برای نوه پیغمبر اکرم است.

مردم در این جلسات از حماسه سازی امام حسین سخن می‌گویند و جوانان را برای شهادت و از خود گذشتگی آماده می‌کنند و روحیه استکبار ستیزی را در میان جوانان تقویت می‌کنند. ما باید تلاش کنیم جوانان ایران را از این قضیه دور نگاه داریم.

او می‌نویسد: ما باید بعضی از مداحان دین به دنیا فروخته و عالمان بی‌سواد را وادار کنیم مطالب خرافی در رابطه با قضیه عاشورا و امام حسین بگویند تا تحصیل کرده‌ها را به قیام امام حسین بدبین کند. همچنین در میان مردم تبلیغ کنیم که عزاداری امام حسین غیر از مزاحمت برای شما چیز دیگری ندارد.

رمز موفقیت سوم شیعه در طول تاریخ بحث انتظار بوده است. هر شیعه منتظر است روزی یکی از نواده‌های رسول اکرم خواهد آمد و حکومت‌های دنیا را نابود می‌کند و حکومت نوینی بر پایه اسلام و فرهنگ اهل بیت تأسیس می‌کند.

این در ملت شیعه امید می‌آفریند. انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. ما باید تلاش کنیم امام زمان‌های دروغین در میان شیعه و اهل سنت درست کنیم تا این روحیه انتظار را در میان مسلمانان متزلزل کنیم.

## فاسدترین و بی‌محتواترین فرقه انحرافی موجود

الآن که من با شما سخن می‌گویم، طبق جدیدترین آماري که دارم در عراق نزدیک به ۲۵ نفر یا ادعای مهدویت دارند و یا ادعای بابیت دارند. قطعاً در بسیاری از اخبار می‌شنوید در داخل کشور ما در جمکران آقایی می‌آید که ادعا می‌کند من امام زمان هستم که ظهور کردم!!

ما یک مرتبه برای تدریس می‌رفتیم که یک جوان بیست و هشت ساله جلو آمد، سلام داد و گفت: من همان «مهدی» هستم که شما به طلبه‌ها و شاگردان خود توصیه می‌کنید با من بیعت کنند. من آمدم تا مقام معظم رهبری با من بیعت کند تا قیام کنیم! من گفتم: خداوند عالم به شما عقل بدهد.

ما هر سال از این فتنه‌ها در داخل کشورمان داریم. در حال حاضر قضیه «احمد الحسن» به فتنه‌ای تبدیل شده است که به تعبیر وزارت اطلاعات فتنه «احمد الحسن» اولویت اول ماست.

بحث «احمد الحسن» بحث طالبان و داعش و وهابیت نیست. بچه مذهبی از روی عشق به امام زمان و عشق به شیعه جذب این فتنه شده و تصور می‌کند که این شخص یک حقیقت و واقعیت است. مشکل اصلی این است که ما اطلاع رسانی خوب نمی‌کنیم.

بنده این توفیق را داشتم که عمرم را در مناظره با مخالفین سپری کردم. در خاک عربستان سعودی نزدیک به ۲۴۰ مناظره داشتم که مجموعاً در سه جلد چاپ شده و در اینترنت سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» موجود است و دوستان می‌توانند مراجعه کنند.

بنده اوایل انقلاب با کمونیست‌ها چندین مناظره داشتم، همچنین با صوفی‌ها و قطب آن‌ها چندین مناظره داشتم. بنده هیچ فرقه انحرافی فاسدتر، بی‌محتواتر و بی‌عقل‌تر از فرقه یمانی ندیدم.

اگر کسی یک جو عقل داشته باشد و کتب آن‌ها را خوانده باشد، هرگز به طرف آن‌ها نمی‌رود. آن‌ها عمدتاً از ناآگاهی جوانان ما سوءاستفاده می‌کند.

این شخص در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ برای مراجع و علما نامه‌ای نوشته بود که اسم بنده نفر دوم بود. او از ما خواسته بود که برای مناظره به او بپیوندیم. ما بیش از پنجاه بار اعلام کردیم که برای مناظره آماده هستیم.

ایشان مدعی است من فرزند امام زمان هستم و پدرم به من دستور داده قیام کنم، اما مراجع عظام تقلید و علما مانع ظهور امام زمان هستند. من باید تمام مراجع و علما و طلاب و روحانیت را از دم شمشیر بگذرانم و قتل عام کنم تا امام زمان بیاید.

در اطراف قم و جعفرآباد یکی از آقایان نماز جمعه می‌خواند. او در خطبه‌های نماز جمعه می‌گفت: بروید ماشین و فرش و کتاب‌هایتان را بفروشید و اسلحه تهیه کنید تا وقتی امام ما «احمد الحسن» دستور داد، طلاب را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام کنیم!!

اخيراً در فضای مجازی جوان ۱۸ ساله شمشیر به دست گرفته و ادعا می‌کند که من با این شمشیر دشمنان «احمد الحسن» و در نهایت گردن مقام معظم رهبری را می‌زنم.

یکی از لیدرهای آن‌ها به نام «فتحیه» که ظاهراً یکی از شاگردان آیت الله جوادی آملی هست در کلیپی که دو روز پیش منتشر شده، می‌گوید: "اگر ما بخواهیم فرهنگ یمانی را منتشر کنیم، سه مانع داریم؛ آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم شیرازی! مادامی که این سه نفر هستند، موفقیت برای ما یمانی‌ها امکان‌پذیر نیست."

آن‌ها علناً در درون شیعه، روی رکن اساسی شیعه دست گذاشتند. آن‌ها بارها گفتند که اگر آمار ما به ده هزار نفر برسد ما قیام می‌کنیم.

البته این افراد در سال ۱۳۸۵ در نجف حدود سیصد نفر نیرو جمع کردند و به نام «جند السماء» می‌خواستند آیت الله سیستانی و طلاب را بکشند. ارتش عراق متوجه شد و قبل از رسیدن به نجف آن‌ها را تارومار کرد، به طوری که نزدیک به دویست نفرشان را کشت و مابقی فرار کردند.

آن‌ها همان سال شب تاسوعا می‌خواستند وارد کربلا شوند و حرم حضرت ابوالفضل را تصرف کنند و زائرین را قتل عام کنند. ارتش و سپاه عراق بازهم متوجه شد و قبل از آنکه آن‌ها وارد شوند، همه را تارومار کرد.

سپاه عراق خود می‌گوید که ما در حمله به نجف «احمد الحسن» را کشتیم و معاون او هم به درک واصل شد. حال مدعیان او ادعا می‌کنند که او به بحرین فرار کرد و از آنجا به استرالیا رفته و برای سلامتی شما دعا می‌کند! بنده بارها گفتم که خطر یمانی‌ها از خطر دواعش و منافقین خیلی بیشتر است. «موسوی» یکی از افرادی است که در رأس یمانی هست و ابتدای انقلاب جزو شورای اصلی منافقین بود و با «مسعود رجبی» فعالیت داشت. او سپس توبه کرده و در شورای اولیه یمانی قرار گرفته است. مرتب هم از سوئد پول‌های کلانی در اختیار این افراد قرار می‌گیرد.

### من حاضرم در کفر و ارتداد این شخص، مناظره و سپس مباحله کنم!

عزیزان و برادران و سرورانم! یکی از وظایف ما اطلاع رسانی است. من بارها گفتم که حاضرم با این افراد مناظره سپس مباحله کنم. مباحله یکی از معجزات اسلام است، به طوری که اگر دو نفر در امری مباحله کنند خداوند عالم باطل را فی المجلس نابود می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود با بعضی از معاندین و نواصب که نسبت به حضرت امیرالمؤمنین حاضر نیستند حقانیت را قبول کنند؛



## «و باهلوهم فی علی بن ابی طالب ع»

درباره ولایت علی بن ابی طالب مباحثه کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ج ۷۱،

### فصل فی النهی عن الجدال

من اعلام کردم که حاضریم با این افراد مناظره کنم، اما نه در مورد اینکه «احمد الحسن» پسر امام زمان است یا اینکه او حق یا سید است یا به دروغ مدعی است من سید یا یمانی هستم؛ بلکه من در کفر و ارتداد «احمد الحسن» مناظره می‌کنم و صد دلیل می‌آورم که این شخص کافر و مرتد است، نه در خصوص مسلمان بودن او. اگر او حاضر است برای مناظره و مباحثه بیاید.

بنده تاکنون بیش از پنجاه بار در مناظرات و رسانه‌های عمومی و سخنرانی‌هایم گفتم، اما تا الآن هیچ کدام از آنها پاسخ ندادند. والله توهینی که ایشان به مقدسات اسلامی و شیعه کرده است، وهابیت این اهانت‌ها را به مقدسات شیعه انجام ندادند.

ایشان به صراحت نسبت به حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) نسبت کفر و بت پرستی می‌دهد. و ادعا می‌کند که حضرت ابراهیم خداشناس نبود، بلکه نورهایی را دید که تصور کرد آفریننده این‌ها هستند؛ همو که خداوند عالم در قرآن کریم نسبت به او می‌فرماید:

(وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً)

و پیرو آئین خالص و پاک ابراهیم گردد و خدا ابراهیم را بدوستی خود انتخاب کرد.

سوره نساء (۴): آیه ۱۲۵

او ادعا می‌کند که توحید حضرت ابراهیم ضعیف بود و توحید من از توحید حضرت ابراهیم بالاتر است. او همچنین ادعا می‌کند که حضرت یونس در شکم ماهی مُرد و نستجیر بالله روحش به جهنم رفت و تا قیامت در آنجا معذب است!!

اگر این کفر و ارتداد نیست، ما در دنیا ارتدادی نداریم. این در حالی است که قرآن کریم نسبت به حضرت یونس می‌فرماید:

**(وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)**

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزه‌ی تو، من از ستمکاران بودم.

**(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)**

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

**سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷ و ۸۸**

حال او ادعا می‌کند که نستجیر بالله قرآن کریم اشتباه می‌کند. آنچه برای من کشف شده است، این است که حضرت یونس در جهنم است و تا قیامت در آنجا خواهد بود!!

او در کتاب خود تحت عنوان «المتشابهات» می‌نویسد: "من تحدی می‌کنم هیچ کدام از مراجع و علمای شیعه نمی‌توانند حرف‌های مرا در کتاب «المتشابهات» رد کنند."

آن‌ها نزدیک به سیصد کتاب دارند که در اینترنت هم موجود است و در سایت‌های خودشان هم گذاشتند. او ادعا می‌کند که حضرت یونس به جهنم رفت و تا قیامت هم در جهنم است! این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

**سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷**

قرآن می‌فرماید ما او را به سوی قومش که آمارش هم بیش از صد هزار نفر بودند فرستادیم و قومش هم به او ایمان آوردند:

**(فَأَمَّنُوا فَمَرَّغْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)**

**سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۸**

او اولاً نستجیر بالله پیغمبری را جهنمی می‌داند که این کفر است. و همچنین قرآن را انکار می‌کند که این کفر دیگر است.

او ادعا می‌کند خاتم الأنبیاء بودن پیغمبر اکرم همگی دروغ است. من احمد الحسن هم مقام نبوت دارم و هم مقام رسالت دارم!! اگر ادعاهای او ارتداد نیست، پس چیست؟

او کتابی تحت عنوان «نبوت خاتمه» دارد که در صفحه ۸ و ۱۶ و ۱۹ علناً ادعا می‌کند که من هم مقام نبوت دارم و هم مقام رسالت دارم. من واقعاً تأسف می‌خورم که بعضی افراد چقدر بی‌عقل هستند که به دنبال چنین آدمی می‌روند!!

او همچنین ادعا می‌کند در روح حضرت امیرالمؤمنین منیت و ظلمت بود. اگر این ظلمت در وجود علی نبود، نستجیر بالله علی همان محمد می‌شد! جسارتی که او به امیرالمؤمنین می‌کند، وهابیت به امیرالمؤمنین نکردند. ادعای دیگر او این است که در روح امام حسین شرک وجود داشت. چند تن از هیئتی‌های تهران جذب این فرقه شده بودند که ما شاگردان خود را فرستادیم تا با او بحث کنند. او یک ساعت و نیم با این شخص بحث کرده بود، اما او اصلاً زیر بار نرفته بود.

شاگرد ما در نهایت به او گفته بود: اگر کسی به شما بگوید که امام حسین مشرک بوده است، شما چکار می‌کنید؟ او با زبان خودش نسبت به این شخص فحش‌های رکیک داد و ادعا کرد کسی که امام حسین را مشرک بداند چنین و چنان می‌کنم.

ایشان نقل می‌کرد که من کتاب «المتشابهات» جلد ۲ صفحه ۳۰ اثر «احمد الحسن» را باز کردم و گفتم: این عبارت را بخوان.

او کتاب را خواند و آن را بست. دومرتبه آن را باز کرد، عبارت را خواند و آن را بست. مرتبه سوم کتاب را پرت کرد و شروع به فحش‌های رکیک دادن به «احمد الحسن» و لعنت کردن و اعلام برائت کردن نمود.

مشاهده کنید اگر ما اطلاع رسانی کنیم و مطالب را در اختیار این جوانان قرار بدهیم، این‌ها بر می‌گردند. خدا می‌داند جوانانی که جذب فرقه‌های انحرافی می‌شوند بچه شیعه هستند و ذهن و فطرت پاکی دارند. مشکل ماست که خوب بصیرت افزایی نمی‌کنیم.

دهها مورد از این مسائل وجود دارد که اگر ما آن‌ها را خوب اطلاع رسانی کنیم، قطعاً نتیجه بخش است و آن‌ها بیدار خواهند شد. من بیش از این وقت شما را نگیرم و چند دعا کنم.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین که این روزها متعلق به آن بزرگوار است، هرچه سریع‌تر فرزند امیرالمؤمنین حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران مخصوصاً عزیزان و مسلمانان کشمیر بنما.

خدایا بر تمام مجاهدین در سراسر عالم که علیه استکبار و نفاق جهاد می‌کنند به ویژه عزیزان ما در یمن نصرت نهایی کرم بفرما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین حوائج ما را برآورده نما.

خدایا مشکلات ما برطرف ساز و گرفتاری‌های ما حل کن. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته